

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل			
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه

در مستحبات کم حوصله نباشید

❁ در مستحبات خیلی کم حوصله نباشید. مرحوم حاج آقا حسین قمی با همه‌ی موقعیت علمی و اشتغالاتش، مقید بود که هر روز زیارت عاشورا را در حرم با صد لعن و صد سلام بخواند!

این نکته را بارها عرض کرده‌ام، درست است که بودن در فضای محبت و عشق و دلدادگی خیلی چیز ارزشمندی است؛ ولی طوری نشود که ما در عرصه‌ی عمل ضعیف به میدان بیاییم؛ حوصله نداشته باشیم اعمال مستحبتی انجام دهیم؛ این خیلی ضرر است. اگر می‌خواهی رشد کنی، راهش همین است. اثر محبت، کادو دادن است. تو می‌گویی من عاشق فلانی هستم، بیا راجع به عشق فلانی با هم دو ساعت صحبت کنیم؛ اما حاضر نیستی دستت را در جیبت بکنی و کمی برای معشوقه خرج کنی؛ این چه جور عشقی است آخر؟ اگر راست راستی عاشقت بودی وقتی پول گیت می‌آید، اولین چیزی که به آن فکر می‌کردی چه بود؟ با این پول یک کادو برای معشوقم بخرم! قبل از اینکه به نیازهای ضروری زندگیت فکر کنی، این اولین چیز بود. چرا ما خدای نکرده در مستحبات کم همتیم و کم بهره می‌بریم؟ اگر این راه را انتخاب کردیم، با همین می‌شود جلو رفت؛ با حرف زدن که نمی‌شود جلو رفت. کم حوصله نباشیم، وقت بگذاریم؛ آن هم نه با زور و تحمیل و تلخی و کراهت؛ چون اگر مستحبات این طوری انجام شود فایده که ندارد هیچ، شاید ضرر هم داشته باشد. با شوق و رغبت انجام بده! یعنی

۱. طیب، مصباح‌الهدی، ص ۲۷۲.

اعمال مستحبّی مفصل را هم که انجام دادی، وقتی تمام می‌شود نتوانی بلند شوی و دلت نیاید کتاب دعا را ببندی؛ اصلاً دلت نیاید از سر سجّادات بلند شوی؛ این طوری کیف کنی و لذّت ببری!

بارها اشاره کرده‌ام و در کتاب‌های شراب طهور، حجاب و حقوق زن، و در سرّ حق، نوشته‌ام که رویکرد حدّاقّلی به عبادات اشتباه بسیار بزرگی است. اینکه فرد دنبال این برود تا توجیهی پیدا کند که هنوز این کار به من واجب نشده، این چطور اهل محبّت و سیر و سلوک است؟! بگردم مرجع تقلیدی پیدا کنم و مقلّدش شوم که مثلاً مسؤولیت‌های کمتری داشته باشم؛ کارهای کمتری به من بگویند انجام بده؛ این اصلاً با سیر و سلوک، با قصد تقرب الی‌الله قابل جمع نیست. یا وقتی عبادت را انجام می‌دهد جوری باشد که فقط از سر خودش باز کند و بگوید نمازم را خواندم. دل نمی‌دهد؛ با حوصله انجام نمی‌دهد؛ زود سر و تهش را به هم می‌آورد و تمام شد! این اصلاً با سیر و سلوک جور نیست. تکلیف گریزی، به مختصرترین صورت عبادات را انجام دادن، فقط به فکر از سر خود باز کردن و رفع تکلیف بودن، اصلاً با مقتضیات سیر و سلوک سازگار نیست. آنچه اقتضای سیر و سلوک است، رویکرد حدّاکثری به عبادات است؛ نه حدّاقّلی؛ نه اینکه بروم توجیهی پیدا کنم که این کار هنوز به من واجب نیست؛ نه! رویکرد حدّاکثری! که بگردم بینم کار دیگری هم وجود دارد که با انجام دادن آن بیشتر دل خدا را به دست آورم، بیشتر در دل خدا جا کنم، بیشتر به خدا نزدیک شوم؛ یعنی دائم دنبال بیشتر باشیم. انسانی که دوست دارد، عاشق و دلداده است، رویکردش رویکرد حدّاکثری است؛ نه رویکرد حدّاقّلی؛ همه‌اش دنبال این باشد که طوری مختصرش کنیم که زودتر خودمان را خلاص کنیم. چطوری تو عاشقی و دلت می‌آید معاشقه و گفتگوی عاشقانه را با معشوقه کوتاه کنی؟! دلت می‌آید اصلاً؟! در همین عشق‌های خاکی نگاه کنید ما چطوری هستیم تا بفهمید که ادّعای عاشقی خدا و این حرف‌ها، بعضاً ادّعاهای کم‌عمقی است. در همین عشق‌های زمینی، عاشق و معشوق از حرف زدن با همدیگر خسته نمی‌شوند، اصلاً دلشان نمی‌آید حرف زدنشان را تمام کنند؛ هی به بهانه‌های مختلف کش می‌دهند و راجع به چیزهایی که اصلاً چیزهای مهمّی نیست حرف می‌زنند. گفته‌های خود را تکرار می‌کنند؛ می‌گویند: حالت چطور است؟ دوباره: خوب احوالت چطور است؟... اصلاً از این

حرف زدن لذت می‌برد و نمی‌خواهد زود تمام شود. کسی که عاشق خداست حرف زدن را زود تمام می‌کند؟! «الْمُصَلِّي مُنَاجٍ رَبِّهِ»^۲ نمازگزار کسی است که نجوا می‌کند. نجوا یعنی در گوشه، یواش با همدیگر حرف زدن، به این گفتگوی عاشقانه‌ی در گوشه نجوا می‌گویند. آن وقت انسان زود سر و تهش را هم آورد که خلاص شود و فرار کند و بگوید نماز تمام شد!! اصلاً با اقتضای عشق و عاشقی و دلدادگی نمی‌سازد. لذا فرمود در مستحبات خیلی کم حوصله نباشید؛ یعنی پرحوصله باشید.

مرحوم حاج آقا حسین قمی رحمته الله، همان مرجع عظیم‌القدری که در نجف بود، با همه‌ی موقعیت علمی و اشتغالاتش مقید بود که هر روز زیارت عاشورا را در حرم با صد لعن و صد سلام بخواند. حالا فکر کنید یک مرجع تقلید با آن همه مراجعات، چه مراجعات مقلدین از یک طرف و چه درس‌هایی که باید تدریس می‌کردند؛ و از طرف دیگر مدیریت جامعه‌ی اسلامی آن هم با آن سن بالا و پیر و کهنسال! ببینید چقدر در عرصه‌ی مستحبات شادابی دارد! هر روز مقید بود زیارت عاشورا را در حرم با صد لعن و صد سلام... نمی‌دانم تا حالا کدامیک از ما ولو یک‌بار هم که شده توانسته‌ایم زیارت عاشورا را با صد لعن و صد سلام بخوانیم؟ ببینید همت این پیرمرد، این عالم جلیل‌القدر چطوری است. هر روز در حرم زیارت عاشورا را با صد لعن و سلام می‌خواند! خوب اینها الگو و اسوه هستند؛ یاد بگیریم دیگر! اگر بخواهیم به جایی برسیم راهش همین است. وقتی استفاده نمی‌کنیم، یا مختصر استفاده می‌کنیم خودمان را کم‌بهره می‌کنیم؛ کم رشد می‌کنیم؛ بعد هم هی گلایه می‌کنیم که چرا به جایی نرسیدیم. خوب چقدر تو راه رفته‌ای که می‌خواهی بررسی؟ گفتیم انسان محصول عمل است؛ عمل انسان را می‌سازد؛ بدون عمل که انسان به جایی نمی‌رسد. گفت:

نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد

البته این را هم عرض کنم که زیاد بهره گرفتن از مستحبات باید کنارش این توجه هم باشد که زیادی عمل به جایی نرسد که افزایش کمیّت به کاهش کیفیّت منجر شود؛ چون گاهی عمل از یک حدّی که

۲. منسوب به امام صادق علیه السلام، مصباح الشریعة، ص ۱۱۱.

بیشتر شد کم‌کم عمق عمل، توجه در عمل و آن حضور قلب در عمل کم می‌شود. طرف به سرعت عملی را دارد انجام می‌دهد تا فقط زیاد انجام داده باشد. در مقایسه، کیفیت عمل مهم‌تر از کمیت عمل است. در کتاب *شراب طهور* در مبحث عبادات اشاره کرده‌ایم و عنوانش را گذاشته‌ایم: عیار عمل مهم‌تر از مقدار عمل است.

مثالی را هم زیاد برایتان زده‌ام که یک حلقه‌ی انگشتر کوچک طلا با عیار بسیار بالا، کنارش هم یک تیر آهن چندصد کیلویی بگذارید؛ قیمت همین انگشتر چند گرمی چند برابر آن تیر آهن است. عیار مهم‌تر از مقدار است. لذا ضمن تأکید بر اینکه در مستحبات کم‌حوصله نباشید، به کم قانع نشوید و در عین حال این توجه را هم می‌دهیم که مراقب باشید کثرت عمل به حدی نشود که از کیفیت عمل بکاهد. کیفیت مهم‌تر از کمیت است. عیار مهم‌تر از مقدار است. ذیل این آیه‌ی شریفه که «**خَلَقَ الْمَوْتَ وَ الْحَيَاةَ لِيَلُوْكُمْ اَيْكُمْ اَحْسَنُ عَمَلًا**»^۳ خدا زندگی و مرگ را برای شما آفرید که بیازماید کدام‌یک از شما نیکو عمل‌ترید، امام صادق ع فرمودند: «**لَيْسَ يَعْني اَكْثَرَ عَمَلًا**» مقصود آیه این نیست که خدا مرگ و زندگی را آفرید تا بیازماید کدام‌یک از شما بیشتر عمل می‌کنید؛ مقصود فراوان‌تر عمل کردن نیست. «**وَ لَكِنْ اَصْوْبُكُمْ عَمَلًا**» مقصود «**اَصْوْبُ عَمَلًا**» است؛ نه «**اَكْثَرَ عَمَلًا**»؛ می‌خواهد ببیند عمل کدام‌یک از شما، عمل درست‌تری است؛ عمل پرمایه‌تری است؛ پرعیارتر و عمیق‌تری است. بعد فرمود: «**اِنَّما اِلْاِصَابَةُ**» اینکه عملی درست‌تر، صواب‌تر و شایسته‌تر باشد شاخصه‌اش چیست؟ «**حَشِيَةُ اللهِ**» یکی اینکه عمل توأم با خشیت باشد، «**وَ النِّيَّةُ الصَّادِقَةُ وَ الْحَسَنَةُ**» نیت و انگیزه‌ی آن عمل هم نیت صادقانه و نیکویی باشد. پس: «**لَيْسَ يَعْني اَكْثَرَ عَمَلًا وَ لَكِنْ اَصْوْبُكُمْ عَمَلًا**»^۴.

بنابراین مراقب باشیم خدای نکرده در انجام مستحبات کم‌همت نباشیم و خودمان را محروم نگذاریم، به انجام مستحبات بی‌اعتنایی نکنیم که این از آن اشتباهاتی است که متأسفانه برخی از اهل سلوک به

۳. سوره‌ی ملک، آیه‌ی ۲.

۴. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۶.

آن دچار هستند. بعضی از آن طرف دارند افراطی رفتار می‌کنند، بعضی هم از این سمت به تفریط افتادند و کم بهره‌اند. ان شاءالله در انجام مستحبات، هم همتان بلند باشد و به کم راضی نشویم، هم مراقب باشیم که وقتی زیاد انجام می‌دهیم، دیگر به حدی نرسد که به کیفیت و عیار آن عمل عبادی ضربه بزند.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ